

## شادگامی مردم تحت حکومت یک دولت بسیار بستگی به رفاه اقتصادی، ارتقای سطح زندگی انسانی که معمولاً با شاخصه‌هایی مثل امید به زندگی، سطح بهداشت مادر و کودک و سواد جمعیت و موارد دیگر سنجیده می‌شود، دارد

اما اصرار داشت که نظام سیاسی در اثربخش بودن فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی فوق‌العاده مؤثر است و می‌تواند یک شبه زحمات سالیان را به باد دهد. می‌گفت همین نظام سیاسی می‌تواند با جهت‌گیری‌های کلان، مسیر را برای شکوفایی تربیتی و آموزشی هموار کند. نمونه‌های زیادی سراغ دارم که فقدان یا کمبود آزادی در خانواده، مدرسه و جامعه چگونه یادگیری را به محاق برده، یادگیرنده را مایوس کرده و تعلیم و تربیت را کم‌اثر.

حالا خودم به عنوان یک فرزند، یک پدر، یک معلم، خوب می‌دانم که به رسمیت شناختن آزادی‌های بچه‌ها چه چالش‌هایی برای بزرگسال‌ها دارد. اما هرچه می‌گذرد می‌بینم که یادگیری‌ای که برای یک کودک آزاد در حضور والد امن و آگاه، یک نوجوان آزاد در حضور والد همدل و هم‌قدم و یک جامعه آزاد در حضور دولت مسئول و پاسخگو، اتفاق می‌افتد قابل‌قیاس با هیچ آموزش از بالا به پایین و پرورش قیم‌مآبانه‌ای نیست.

خوب می‌دانم و لمس کرده‌ام که به رسمیت شناختن آزادی چه چالش‌ها و مخاطراتی دارد. اما به نظر می‌رسد که مسیر میانبری است که جایگزین ندارد. پارادوکس جالبی است: مادر جایگاه والد، معلم، مدرسه یا حکومت به بهانه مراقبت و مصلحت و سعادت و مانند اینها آزادی‌ها را محدود می‌کنیم. بعد انتظار داریم با آموزش انسان‌های محقق، خلاق، توانمند و موفق بار بیاوریم. جالب اینجاست که وقتی منصفانه مرور می‌کنی، می‌بینی عمده این محدودیت‌ها بیش از اینکه برای مراقبت از کودک در جامعه باشد، برای راحتی والد و دولت است. بیش از اینکه از حس مسئولیت بیاید، از ضعف‌های شخصی می‌آید.

روشن است که آزادی به عنوان یک حق در کنار مسئولیت معنا دارد و محدودده‌اش آزادی دیگران است. این تعادل در رابطه والد و کودک، مدرسه و کودک، فرد و جامعه و جامعه و دولت هزار نکته دارد. همه چالش والدگری، معلمی، حکومت‌داری به کیفیت برقراری این تعادل است. اما به هر حال مهم است که ایجاد این تعادل بهانه برای سلب آزادی نشود.

**ساری:** محمد سالن پرورش مرغ دارد و می‌گوید: به اندازه زحمتی که برای اشتغال‌زایی در جامعه متحمل می‌شود، درآمد و نفعی نمی‌برد؛ این در حالی است که می‌توانست این سرمایه را وارد بازار یا بورس، املاک یا هر کار دیگری کند ولی ریسک پرورش جوجه را تحمل می‌کند، برای پرورش جوجه‌ها زحمت می‌کشد، هزینه پرداخت می‌کند ولی هیچ امنیت شغلی ندارد؛ چون مافیای دلال مرغ مانع ثبات قیمت مرغ و جوجه‌ها در بازار می‌شود و انگار همیشه در برزخ هستند، تکلیفشان مشخص نیست و حتی باورکردنی نیست که قیمت مرغ تا این حد ریزش پیدا می‌کند یا بالا می‌رود. این نوسان در قیمت باعث ضررهای زیادی شده. می‌گوید من سال گذشته سه سالن مرغ‌داری داشتم و متعهد بودم که مقدار ثابتی تحویل کشتارگاه بدهم اما بدون اطلاع قبلی قیمت‌ها بشدت پایین آمده بود، طوری که تقریباً از هر سالن حدود هفتصد میلیون خسارت داده بودم. ما نیاز داریم که دولت بتواند امنیت شغلی ما را تأمین کند و حداقل هزینه دانه‌های روغنی جوجه‌ها، پلت‌ها، سویا، پودر ذرت‌شان با قیمت تنظیم شده‌ای که ما برسیم. من قبلاً با هزینه‌ای که الان پرداخت می‌کنم برای یک کیسه دانه، می‌توانستم یک نیسان غذا تهیه کنم. واکسن‌ها هم برای بیماری جوجه‌ها جوابگو نیستند، گاهی با اینکه واکسن می‌زنیم، باز هم جوجه‌ها به بیماری دچار می‌شوند. ما کارگر داریم، اجاره سالن داریم و مدام داریم ضرر می‌دهیم. کاش در دولت چیزی به نام وام بدون بهره برای جبران ضررهای مالی در شغل‌های مختلف وجود داشت.

**شیراز:** مردم از راه آزادی به تعلیم و تربیت دست پیدا می‌کنند و نه برعکس. شش سال پیش، مرد آزاده‌ای را ملاقات کردم که ده‌ها فعالیت سیاسی کرده بود، می‌گفت اگرچه تفکرات و سوگیری‌هایش در طول سال‌ها تغییر کرده، اما همیشه برای دستیابی به آزادی تلاش کرده. البته می‌گفت فهم امروز او از آزادی با آنچه در دهه پنجاه و شصت می‌فهمیده تفاوت دارد. به او گفتم فکر نمی‌کنید این همه تلاش و هزینه و انرژی را اگر به جای فعالیت سیاسی در مسیر آموزش و فرهنگ می‌گذاشتید، الان بهتر نتیجه می‌گرفتید؟

**کرمان:** حالا که رنگین‌کمانی از مدارس مختلف ایجاد شده تا هر طبقه‌ای از جامعه بسته به پایگاه سیاسی و اقتصادی خود یکی از این مدارس را برای تحصیل فرزند خود انتخاب کند و طبیعتاً در مدارس طبقات قدرت و ثروت، آینده بهتری برای دانش‌آموزان رقم خواهد خورد. همه مردم انتظار دارند که بعد از استقرار دولت‌ها، مدیران جدید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که همه مردم را ببینند. همه مردم یعنی چه کسانی که رأی دادند و چه کسانی که رأی ندادند. چه کسانی که رأی دادند و چه آنهایی که به همین گروه رأی دادند، همه اینها انتظار دارند که دولتمردان همه مردم را ببینند و وظایفشان را در قبال همه مردم انجام دهند و این حداقل انتظاری است که یک شهروند از مسئولان خودش دارد. دنبال این نگردیم که مقصر مشکلات را پیدا بکنیم، چهار سال زمان کمی است که فقط مقصرها را بخواهیم پیدا بکنیم. فکر می‌کنم مردم هم از پیدا کردن مقصر نفعی نمی‌برند بلکه نفع مردم از اقدامات و برنامه‌هاست. مردم کشور ما در حال حاضر از وضعیت اقتصاد و معیشت به خصوص برای جوانان رنج می‌برند. بالا بودن نرخ اجاره‌ها و خرید مسکن، مردم را ناتوان کرده است و عده‌ای که ماهانه تنها حقوق کمی دریافت می‌کنند، در پرداخت اجاره بها سنگینی که صاحبخانه‌ها تعیین می‌کنند عاجز هستند.

اگر اقبال متوسط و ضعیف جامعه در گذشته می‌توانستند ماهانه مواد مختلف غذایی اعم از گوشت و ماهی و مرغ را به راحتی بخرند اما در حال حاضر با گران شدن این اقلام دیگر نمی‌توانند و سفره‌آنان هر روز کوچک‌تر شده است و حتی خیلی از مواد غذایی از سفره‌ها حذف شد.

گران شدن اجناس برای تولیدکنندگان خصوصاً در بخش صنعت هم نگران‌کننده است و طی چند سال اخیر این موضوع باعث شده است بسیاری از کارگاه‌های صنعتی تعطیل شود و تعطیلی این کارگاه‌ها نیز خود موجب بیکاری و مشکلات بعدی‌اش برای خانواده‌ها می‌شود.



مردم هر سال می‌بینند که بارندگی بوشهر خوب است و حتی نزدیک به میانگین کشوری است و به خاطر سیلاب‌هایی که داریم حتی بیشتر هم می‌شود اما چون آبخیزداری انجام نشده، خسارت به وجود می‌آورد و آب از دسترس ما خارج می‌شود و به دریا می‌ریزد و آب شیرین به آب شور تبدیل می‌شود

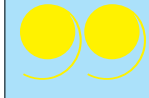
انقلاب با شعار عدالت و برابری و مساوات پیروز شد. مردم توقع تحقق شعارهای آن را دارند. شاید در یک کشور دیگر مردم توقع نداشته باشند، یا کمتر درگیرش باشند که اگر مدیر سوار آن ماشین می‌شود، من سوار این شوم. این مقدار تبعیض را می‌پذیرند ولی در ایران خیر، مردم ایران شعار برابری را شنیده‌اند، آن را مطالبه می‌کنند. انتظار دارند. اگر او آن ماشین را می‌راند، من هم باید همان را تهیه کنم؛ چون من و او به یک اندازه کار می‌کنیم، به یک اندازه انسانیم، به یک اندازه مسلمانیم، پس به یک اندازه حق مصرف داریم، پس توقعات بالا رفته است. انقلاب اسلامی این توقعات را بالا برده است. دولت‌ها نتوانسته‌اند این توقعات را برآورده سازند، پس مردم شاد نیستند چون شکاف عمیقی بین انتظارات و تأمین نیازهایشان وجود دارد. این در واقع اصل و ریشه شادی است. امروز دنیا پرستان برای به دست آوردن بیشتر، مردم را حریص می‌کنند. با تبلیغات بازرگانی، با تبلیغ کالاها، خود، با ایجاد تنوع در محصولات خود هوس ایجاد می‌کنند تا بیشتر سود به دست بیاورند، تا دنیایشان رنگین‌تر شود. این رفاه به همه نمی‌رسد؛ ولی به همه وعده داده می‌شود اما دولت‌ها می‌توانند با رواج برنامه‌های سرگرم‌کننده، مردم را شاد کنند.

برنامه خندوانه، برنامه سید خندان شبکه دو، برنامه مسابقه هماهنگ شبکه نسیم، تمامی این برنامه‌های طنز سیما، برنامه‌های شهرداری در بعضی از پارک‌ها، مسابقاتی که در شهرها برگزار می‌شود، برنامه‌های جمعی پیاده‌روی خانوادگی، خیلی از این امور رسانه‌ای و ورزشی هست که مردم را شاد می‌کند ولی چون این شادی‌ها دوام زیادی ندارد، باید مدام تکرار شود تا هر لحظه شادی را برای همان لحظه فراهم کند.

**قم:** مردم وقتی شاد می‌شوند که انتظاراتشان از دولت برآورده شود. این دو بال دارد، دو طرف دارد؛ طرف انتظارات و طرف تأمین شدن. بین این دو یک شکاف است. هرچه این شکاف بیشتر باشد، مردم از شادی دورتر می‌شوند و هرچه شکاف کمتر، شادتر. بزرگ شدن این شکاف به هر دو طرف بستگی دارد. هرچه انتظارات و توقعات مردم از زندگی بیشتر باشد، هر قدر تأمین این توقعات کمتر باشد، شکاف بزرگتر است. اگر دولت نیازهای مردم را بهتر تأمین کند، شکاف را کمتر کند، مردم را شاد کرده است. در مورد ما ملت ایران، چیزی که توقعات را بالا برده است، انتظارات را افزایش داده، که هر دولتی که سرکار می‌آید نمی‌تواند مردم را شاد کند. عدالت خواهی انقلاب است.

اصولاً با شاخصه‌هایی مثل امید به زندگی، سطح بهداشت مادر و کودک و سواد جمعیت و موارد دیگر سنجیده می‌شود، دارد. برای حصول به این نتایج لازم است دولت‌ها بسیار علم‌گرا بوده و ریل‌گذاری اقتصادی کشور را به دست متخصصان این حوزه سپرده و در مسائلی که سران دولت تخصص ندارند، به علم و عالم وزن بدهند تا کشور و مردم به سمت موفقیت و شادگامی حرکت کنند. انتخابات آزاد، تقید همگی سران به قانون، امکان برکناری دولتی که نارضایتی عمومی به وجود می‌آورد، ایجاد روابط حسنه با همسایگان و کنار گذاشتن دشمنی با همه در سطح بین‌الملل، فراهم کردن معاملات بانکی بین‌المللی، تلاش در راستای رفع تحریم‌ها، همه می‌تواند جزو راهکارهای اصلی برای شادی و رفاه عمومی باشد.

ما سومین فرزندانمان را هم با اینکه شرایط اقتصادی و مالی خوبی نداشتیم به دنیا آوردیم، شامل قانون جوانی جمعیت هم شدیم اما متأسفانه هیچ کدام از وعده‌ها و قوانین مصوب شده در مورد ما انجام نشد. باید به آقایان نمایندگان محترم مجلس گفت وقتی نمی‌توانید قانونی تصویب کنید که اجرایی بشود لطفاً تصویبش نکنید.



وصول به چنین موفقیتی اجرای خواست گروه‌های مختلف جامعه است به نحوی که مجموعاً اکثریت قاطعی از کشور را تشکیل دهند. همچنین با توجه به اینکه در جوامع عادی، تمایلات افراطی گرایانه مورد پسند اکثریت جامعه نیست، این دولت‌ها از افراطی‌گری نیز دوری کرده و در پی جلب نظر عموم مردم که در حد میانه افکار سیاسی قرار دارند، هستند.

شادگامی مردم تحت حکومت یک دولت بسیار بستگی به رفاه اقتصادی، ارتقای سطح زندگی انسانی

از بحران آب در بوشهر متنوع‌تر از یک راهکار آب شیرین کن است. نتیجه‌ای که جوان‌های استان در موردش با متخصصان، گفت و گو و پیگیری کردند. این بود که آبخیزداری و نفوذ دادن آب به سفره‌های زیرزمینی، خیلی کاربردی است و منافع زیادی دارد و با خودش توسعه پایدار به همراه دارد اما نیازمند تغییر نگاه در حاکمیت است. الان بودجه سازمان اداره آبخیزداری استان نسبت به بودجه کل کشاورزی، بودجه بسیار کمی است و به پروژه‌های آبخیزداری در استان نمی‌رسد. همچنین به آبخیزداری اولویتی نمی‌دهند. مردم هر سال می‌بینند که بارندگی بوشهر خوب است و حتی نزدیک به میانگین کشوری است و به خاطر سیلاب‌هایی که داریم حتی بیشتر هم می‌شود اما چون آبخیزداری انجام نشده، خسارت به وجود می‌آورد و آب از دسترس ما خارج می‌شود و به دریا می‌ریزد و آب شیرین به آب شور تبدیل می‌شود. آبخیزداری، درختکاری و کارهای بیولوژیکی‌ای که انجام شود، دما و زیست بوم بوشهر بهتر می‌شود و مجموعاً حتی می‌شود از همین آبخیزداری، تفرجگاه درست کرد و مردم هم که در استان، تفریح عمومی و در دسترسی خاصی ندارند، می‌توانند بهره‌مند شوند. الان تفریح‌ها هزینه زیادی دارد، حتی تفریحگاه‌های خصوصی مانند باغ ویلاها هم برای منطقه ما به علت همان چالش آب، مضر است ولی با بحث آبخیزداری می‌شود حتی فراغت جوانان را هم پر کرد و مشاغل جدیدی به وجود آورد.

**شهرسوار:** من کنار کار اصلی ام در دانشگاه، تهیه و فروش عسل هم دارم، متأسفانه وام برای توسعه کسب و کار زنبورداران را خیلی سخت می‌دهند و ما خیلی سخت می‌توانیم به کارمان توسعه بدهیم. وام‌ش هست ولی سختگیری‌های زیادی برایش وجود دارد. عموی خودم موفق شده بود با طرح خرید تضمینی کندم که چند ماه پیش به اجرا درآمده بود، محصول کندم خوبی را امسال به بار بنشانند. به نظر من دولت موفق دولتی است که در یک نظام مردمسالار بتواند محبوبیت خود را تا انتهای حکمرانی خود حفظ کرده یا ارتقا بدهد.

